

سپهیل کریمی، متولدسال ۱۳۵۱ در روستای «حصارزیرک» شهرستان شش‌به‌ر یا است. از دوران تحصیل در مدرسه در نوشتن انشا استعداد هنری خود را بروز داده بود و تشویق معلمان مدرسه انگیزه اش را برای نوشتن بیشتر کرد. اولین مطالبش به شکل رسمی در هفته‌نامه «صبح» چاپ شد. از سال ۱۳۷۵ پایش به هفته نامه «شلمچه» باز شد و کمی بعد دبیر سیاسی این هفته نامه شد. فعالیت مطبوعاتی وی و تهیه گزارش‌های مستند از موضوعات خاص، زمینه ورودش را به عرصه مستندسازی ایجاد کرد. مستندسازی از سال ۷۹ رما مشغله اصلی‌اش شد. سه ماهی از حمله آمریکا به عراق و اشغال این کشور توسط انگلیسی‌ها و آمریکایی‌ها نگذشته بود که به همراه سعید ابوظالب برای ساخت یک مستند به عراق سفر کرد. سفری که باعث شد توسط آمریکایی‌ها ۱۲۶ روز اسیر، زندانی و شکنجه شود.

کارنامه سپهیل کریمی در عرصه مستندسازی سرشار از ورود به موضوعاتی بکر و خطیر است. مستندهایی مثل «زخم پیوار» (شیعیان پاراچنار)، «شکست هیمنه» (دستگیری سربازان انگلیسی در خلیج‌فارس)، «فته شام» (بررسی علت شروع جنایات جریان تکفیری در سوریه) و تعداد زیادی مستند با موضوعات داخلی، ساخته است.

با توجه با تجربه بالای سپهیل کریمی در حضور در مناطق بحرانی جهان اسلام و تولید دهها مستند درباره این مناطق، در گفت وگویی به پایدها و نیایدهای مستندسازی درباره مقاومت پرداختیم. کریمی در این گفت و گو همچنین خاطراتی از سفر اخیر خود به سوریه را نیز بیان کرده است.

« چرا گاهی در مستندهایی با موضوع «جهان اسلام» و «بیداری اسلامی» مشاهده می‌شود که اثر به لحاظ محتوا دچار خدشه و اشتباه است؟ مثلا مستندساز تفاوت «علوی» را با «سنی حنفی» نمی‌دانشته و با مثلا به خاطر عدم شناخت عقاید صوفیان و مالکی‌های شمال آفریقا عقاید آنها را هم‌تراز با عقاید وهابیت کرده؟

پاراچنار جای خیلی عجیبی است؛ از جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی تر است! در بازارهای آنجا شاید فقط چهار پنج مغازه دیدم که عکس آقا و امام را نزده بودند. عکس شهدای معمولی ما در خانه‌های مردم بود. در شب‌هایی که آنجا بودیم یک جوانی بود به اسم نصرت حسین که همین که فهمید ما از ایران آمدیم شروع کرد به گریه کردن. یک دفتر ۲۰۰ صفحه‌ای نشان داد که در هر صفحه از آن عکس یکی از شهدای ما مثل شهید همت و شهید خرازی و… را زده بود و زیرش هر چیز درباره آن شهید از رفتار و حرف‌هایش شنیده بود می‌نوشت. می‌گفت من هر روز صبح یک صفحه را باز می‌کنم و مطالبش را می‌خوانم و به خودم قول می‌دهم که امروز این طور رفتار کنم!

مسلمانان و اعتقادات مذهبی مردم سایر کشورهای اسلامی مستند بسازد؟

« گاهی به عنوان بیننده پروپاقرص مستند، احساس می‌کنم مستندساز فقط تصاویر پشت سرهمی را دارد به مخاطب نشان می‌دهد!

دقیقا! چون مستند تعریف دارد. مستندساز باید موسیقی را بشناسد، روش‌های مختلف تدوین را بلد باشد، زاویه‌های دوربین را حرفه‌ای بلد باشد. مستند باید حتما داستان داشته باشد. وگرنه گرفتن یکسری تصاویر و کنار هم گذاشتن آنها بدون هیچ داستان و تعلیقی که اسمش مستند نمی‌شود. متأسفم بگویم که این‌قدر کار



گفت و گو با «سپهیل کریمی» درباره مستندسازی مقاومت

مردمی که عکس شهدای ما را به دیوار خانه‌هایشان می‌زنند

انوشه میرمرعشی

ضعیف و سطحی را پخش کرده‌اند که ذائقه مخاطب خراب شده.

به قول «آقا» فرهنگ، مهندسی راه می‌خواهد. نمی‌شود سلیقه‌ای برخورد کرد. یعنی به جای اینکه مالک‌امان رعایت استانداردهای حرفه‌ای کار باشد برای انتخاب یک اثر برتر در یک جشنواره، ملاک مان باشد تعداد بازدید اثر در فضای مجازی!

اتفاقا در یکی از جشنواره های که به عنوان داور حضور داشتم تمام بحثم با مسئولین جشنواره سر همین موضوع بود. به آنها می‌گفتم ملافلاتی که می‌خواهید به او جایزه بدهید اصلا اصول حرفه‌ای و استانداردها را در کارش رعایت نکرده. چطور می‌شود



که به مستندی جایزه داد که اصلا اصول حرفه‌ای را رعایت نکرده! گاهی دیده می‌شود دوستانی درباره محور مقاومت مستند می‌سازند اما چون مستندهایشان داستان ندارد، اثرشان صرفا یک کار گزارشی است که اگر جنگ تمام شود دیگر این مستندها حتی قابل اکران نیست.

« هر سال و در ایام پیاده‌روی اربعین جوانان زیادی علاقمند هستند که درباره این پدیده بی‌تغییر مستند بسازند. اما به دلیل همان عدم مطالعه و شناخت فرهنگ مردم عراق و زائران غیرايرانی مستندهایی ساخته می‌شود که نمی‌توانند حق مطلب را ادا کنند. تحلیل شما درباره این جریان چیست؟

در ماجرای سندان اربعین یک کارگاه سه ساعته گذاشته بودند در مسجد جمکران برای کسانی که می‌خواستند در اربعین مستند بسازند و از بنده هم دعوت کرده بودند که در آن شرکت کنم. در آنجا به پیچه هائی که در آن کارگاه شرکت کرده بودند می‌گفتم اگر می‌خواهید بروید زیارت، دیگر مستند ساختن و دوربین را بگذارید

ببینید«وحید چساووش» که همین طوری روی هوا متخصص پیاده روی اربعین نمی‌شود. او معمولا از سه ماه قبل از اربعین می‌ود عراق. تا مدتها بعد از اربعین هم در عراق می‌ماند. برای همین کارهایی که او می‌سازد حرف آخر پدیده عظیم پیاده روی اربعین است. حالا اینکه عده‌های خودشان را به او گره می‌زنند و کاری درباره اربعین می‌سازند، اتفاق خیلی خوب است. چون این طوری یک آدم کم تجربه در کنار چاووش کار یاد می‌گیرد و رشد می‌کند. به این می‌گویند نیروسازی و تربیت مستندساز در موضوع اربعین. واقعا برای اینکه مستندسازی برای پدیده اربعین یک انسجامی پیدا کند باید یک ستاد دائمی ایجاد بشود و با یک نقشه راه کارها پیش برود تا بیت‌المال هدر نرود.

« یکی از فیلم‌های مستند شما که بیشتر مورد توجه قرار گرفته «زخم پیوار» (درباره شش‌بعیان پاراچنار در پاکستان) است. چه ویژگی‌هایی باعث این توجه شده است؟



تهیه و تنظیم: کامران پورعباس

روایتی است که می‌گوید در یک روز دوازده نفر از شاگردان امام زین‌العابدین علیه‌السلام در میان راه در یک حفره گنجینه‌ای پنهان شدند. آن‌ها می‌خواستند در میان راه از دشمنان پنهان بمانند و از آن‌ها فرار کنند. اما آن‌ها در آن حفره گنجینه‌ای نماندند و همه کشته شدند. امام زین‌العابدین علیه‌السلام از آن‌ها پرسیدند: چرا کشته شدید؟ آن‌ها گفتند: ما نمی‌دانستیم که در آن حفره گنجینه‌ای کشته می‌شویم! امام زین‌العابدین علیه‌السلام فرمود: «اما شما که با ما هستید، چرا کشته نمی‌شوید؟» آن‌ها گفتند: ما نمی‌دانستیم که در آن حفره گنجینه‌ای کشته می‌شویم! امام زین‌العابدین علیه‌السلام فرمود: «اما شما که با ما هستید، چرا کشته نمی‌شوید؟» آن‌ها گفتند: ما نمی‌دانستیم که در آن حفره گنجینه‌ای کشته می‌شویم! امام زین‌العابدین علیه‌السلام فرمود: «اما شما که با ما هستید، چرا کشته نمی‌شوید؟» آن‌ها گفتند: ما نمی‌دانستیم که در آن حفره گنجینه‌ای کشته می‌شویم!

هدف بخورد و حاضر نیست نثایه‌ای درنگ به خرج دهد آن‌جاست که قوی‌ترین افسران‌ش را می‌گمارد و فرمان آتش به اختیار صادر می‌کند. پس این دستور رهبری یعنی: حمله گسترده است، نقطه، حیاتی،

چرا «آتش به اختیار»؟



زمان، اندک و افسران جنگ نرم، توأمند و مورد اعتمادند.

البته یک مورد اساسی در آخر وجود دارد که بی‌انصافی است به لحاظ مصلحت از آن صرف‌نظر نشود. شرایطی در جنگ پیش می‌آید

اسلامی‌تر است؛ در بازارهای آنجا شاید فقط چهار پنج مغازه دیدم که عکس آقا و امام را نزده بودند. عکس شهدای معمولی ما در خانه‌های مردم بود. در شب‌هایی که آنجا بودیم یک جوانی بود به اسم نصرت حسین که همین که فهمید ما از ایران آمدیم شروع کرد به گریه کردن. یک دفتر ۲۰۰ صفحه‌ای نشان داد که در هر صفحه از آن عکس یکی از شهدای ما مثل شهید همت و شهید خرازی و… را زده بود و زیرش هر چیز درباره آن شهید از رفتار و حرف‌هایش شنیده بود می‌نوشت. می‌گفتم من هر روز صبح یک صفحه را باز می‌کنم و مطالبش را می‌خوانم و به خودم قول می‌دهم که امروز اینطور رفتار کنم!

« پرویم سراغ موضوع سوریه! یا توجه به سفرهای متعددی که به سوریه داشته‌اید و نسبت به مردم این کشور شناخت پیدا کرده‌اید، می‌توانید توضیح بدهید که چرا مردم سوریه این طور جانانه مقاومت می‌کنند و پشت حکومت خود ایستاده‌اند؟ یا چطور کسی مثل همسر بشار اسد که در انگلستان بزرگ شده و درس خوانده در سخت‌ترین شرایط در کنار مردم سوریه می‌ماند؟

آنچه از سفرهای متعددم به سوریه به دست آورده ام این است که جنس مردم سوریه خیلی با ملت‌های دیگری که دیدم متفاوت است. مردم سوریه حتی با مردم لبنان خیلی تفاوت دارند. تعریف وطن در میان مردم سوریه خیلی خیلی مهم است. مردم حکومت سوریه و رئیس‌این حکومت – بشار اسد – را بر حق می‌دانند، برای همین پشت سر این حکومت ایستاده‌اند.

سر حمایت سوریه از جریان مقاومت در منطقه، چند دهه است که غرب به دنبال ساقط کردن حکومت این کشور است. از دوران حافظ اسد تلاشهایی صورت گرفت که با هوشیاری او توطئه‌ها سرکوب شد. خلاصه این سیاست کلان از طرف غرب دنبال می‌شد تا اینکه ماجرای بیداری اسلامی در منطقه شروع شد. در آن زمان یکسری از منتقدین به سیاست‌های داخلی حکومت اعتراض‌هایی را شروع کردند که یک اعتراض کاملا مدنی و مسالمت آمیز بود. اما با دخالت غرب، قطر، ترکیه، کویت و عربستان، ناآهان این اعتراض‌ها در درعا، حمص، حلب و… وارد فاز مسلحانه شد.

در سال ۹۱ که فتنه در سوریه داشت اوج می گرفت برای ساخت یک مستند رقتم سوریه. در این سفر مستند «فتنه شام» را تولید کردم و در جریان ساخت این مستند با کمک یکسری از دوستان سوروی با طیف‌های مختلف آنها، اعم از مخالف و منتقد و حتی معارض با حکومت بشار اسد مصاحبه کردم. مثلا یکی از آدم‌هایی که با او مصاحبه کردم رئیس‌شورای مخالفان حکومت سوریه بود. آنجا مخالفان و منتقدین می‌گفتند که اعتراضات ما یک اعتراض مدنی است. ما به یکسری از رفتارهای جاثرانه حکومت اعتراض داشتیم و به دنبال به دست آوردن آزادی‌های مدنی بودیم. این حرکت‌های مسلحانه هیچ ربطی به ما ندارد و با آن مخالف هستیم. چون بعد از چند ماه رئیس‌بشار ته تنها چیزهایی که ما ادعایش را داشتیم بلکه بیشتر از آن چیزی که مد نظر ما بود در اختیار ما قرار داده، ما الان چیزی دیگری نمی‌خواهیم.

واقعا هم همین طور است. یعنی بشار اسد به همه توصیه‌های «آقا» سر شروع بیداری اسلامی عمل کرد. از سال ۱۳۸۹ تا حالا سه بار انتخابات برگزار شده و ۶۰ درصد و گاهی بالای ۶۰ درصد به نفع حکومت رای داده‌اند و حتی ناظرین سازمان ملل آن را تایید کرده‌اند.

« در سفر آخرتان به سوریه شرایط را چگونه دیدید؟

الان در سوریه جنگ فرسایشی شده و فشارهای زیادی روی حکومت سوریه هست. بخش اعظم این فشارها اقتصادی است. این فشارهای اقتصادی متناقلانه ممکن است در برخی از مناطق سوریه حتی به قطعی هم منجر بشود. اما مردم محکم پشت حکومت ایستاده‌اند. واقعا این را می‌توان گفت که در حال حاضر تنها ۱۰ درصد مخالفان مسلح حکومت بشاراسد سوری هستند و ۹۰درصد آنها جتجویان محاربی هستند که از کشورهای دیگر به آنجا آمده‌اند. این را بگویم که به غیر از فشارهای اقتصادی و مشکلات شدید اقتصادی، در این سفر اخیرم به سوریه آنچنان مردم سوریه را شاد و سرزنده دیدم که برای آنها که این شادی و نشاط را به چشم ندیده اند، غیرقابل باور است. در اوج فتنه من توأمند با همه همکار و دستیارانم در دعوت بعدی ایشان را همراه نبردم به خاطر مسئله نبود امنیت. اما این سفر آخر این‌قدر در دمشق امنیت و زندگی بود که می‌توانم دفعه بعدی ایشان را به راحتی همراه ببرم. برخی‌ها که بدون حضور میدانی درباره سوریه نظرای غیرواقع می‌دهند برای این است که نرفته‌اند از نزدیک فضا و شرایط سوریه و روحیه مردم را در آنجا ببینند و لمس کنند. آنجا زندگی جریان دارد.

رهبری ناگفته پیداست که این امر به معنای تندروی و کندروی با افراط و تفریط نیست بلکه باید در چارچوب قوانین و شرع و از راه‌های مقسول و منطقی و به دور از هنجارشکنی انجام پذیرد. **همه با پیش به سوی آرمانهای نظام**

ان شاء الله با همت و مجاهدت نیروهای مؤمن و انقلابی و گوش به فرمان ولایت‌فقیه هر چه زودتر شاهد تحقق آرمانهای عالیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشیم.

برخی از ایسن آرمانها که با حوادث اخیر و شرایط کنونی ما تطابق بسیاری هم دارد همانهایی هستند که بنیانگذار انقلاب اسلامی خمینی کبیر در یکی از پیامهای مظلومان را به همه عالم بر آن تصریح فرمودند: «لله‌ت‌ما این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌الملل اسلامی‌مان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه چنانچه‌خوران بوده هستیم. حال اگر نوزکاران آمریکانام این سیاست را توسعه طلبی و تفکر تشکیل رهبری از آن عدم تبعیت از نظرات صریح و روشن رهبری شاهد خسارات و

صفحه ۶
یک‌شنبه ۴ تیر ۱۳۹۶
۳۰ رمضان ۱۴۳۸ – شماره ۲۱۶۵۶

سردار اسماعیل قآنی، جانشین سرلشکر قاسم سلیمانی:

نیروی قدس سپاه پاسداران در همه جای جهان فعال است

جانشین فرمانده سپاه قدس گفت: مجموعه نیروی قدس در دنیا فعال است و این موضوع جزء موضوعاتی است که هنر فعالان فرهنگی را طلب می‌کند تا نشان بدهید این انقلاب اسلامی چطور بالندگی خود را حفظ کرده و هرروز روبه جلو حرکت می‌کند.

سردار اسماعیل قآنی، در هشتمین همایش فعالان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی اظهار داشت: انقلاب اسلامی مسیر فعال و زنده‌ای است که هر روز یک گام روبه جلو برمی‌دارد و سیر تکاملی خود را همراه با رویش‌ها و ریزش‌های مختلف دارد؛ از فرمایشات امام خمینی (ره) گرفته تا مقام معظم رهبری نیز مشاهده می‌کنیم که انقلاب اسلامی در بسیاری از زمینه‌ها کار کرده و یا در حال کار و فعالیت است.

جانشین فرمانده سپاه قدس ادامه داد: صحبت من به عنوان یک نظامی از زمان جنگ تا امروز این است که ما در دوران



دفاع مقدس خیلی چیزها به دست آوردیم و این جنگ برای ما عظمت فراوانی داشته است. در حقیقت یکی از عملیات‌های دوران دفاع مقدس ما برای بزرگ شدن یک ملت در طول تاریخ کافی بوده است.

سردار قآنی خاطرنشان کرد: با تمامی عظمتی که دوران دفاع مقدس ما داشته است آن هم به عنوان کشوری که بعد از بهزوی انقلاب هیچ چیز در حوزه نظامی به لحاظ ساختار و امکانات نداشتیم اما بعد از هجمه‌ای که به ما در قالب جنگ شد،حتی به تعبیر حضرت امام خمینی (ره) ناتو و ورشو در این جنگ به دشمن ما کمک می‌کردند، دیدیم که همه پای کار آمدند.

وی اضافه کرد: با تمام این دشمنی‌های فراوان، محدودیت‌ها، مشکلات و تحریم‌هایی که داشتیم، شاهد رخ دادن کارهای بسیار با عظمتی در دوران دفاع مقدس بودیم؛ نمونه اش اینکه بعد از ۲۰۰ سال حوادث به صورتی شکل گرفت که بعد از تهاجم به این کشور حتی نتوانستند یک وجب از این خاک را جدا کنند و ببرند.

جانشین فرمانده سپاه قدس یادآور شد: نکته جالب اینجاست که در روزهای آخر جنگ این ما بودیم که وقتی صدام بعد از قبول قطعنامه دویاره به کشور تعرض کرد قصد داشتیم از مرزهای عراق عبور کنیم ولی امام خمینی (ره) به علت اینکه قطعنامه را پذیرفته بود جلوی افرادی که این کار را می‌خواستند انجام بدهند متوقف کرد.

سردار قآنی متذکر شد: قدرت انسان‌سازی جنگ ما از هر مکتب، دانشگاه و کلاس انسان‌سازی بالاتر بود. به عبارت بهتر دوران دفاع مقدس و جنگ ما اگرچه ماهیتی نظامی داشت ولی بالاترین دستاورد آن انسان‌سازی بود. در حقیقت این انسان‌سازی محصول فرهنگی جنگ ما بود.

وی تصریح کرد: چندسالی است که توفیق دارم در مجموعه نیروی قدس فعالیت می‌کنم و در دنیا با افراد بسیاری ارتباط دارم و در بسیاری از زمینه‌ها با آنها همکاری می‌کنیم؛ ما همه جا هستیم و هیچ جا نیستیم و به حول و قوه الهی همه کاری هم می‌توانیم انجام بدهیم. این موضوع جزء موضوعاتی است که هنر فعالان فرهنگی را طلب می‌کند تا نشان بدهید این انقلاب اسلامی چطور بالندگی خود را در اوج محرومیت، محدودیت و تحریم حفظ کرده و هرروز روبه جلو حرکت می‌کند.

جانشین فرمانده سپاه قدس در بخش دیگر سخنان خود گفت: روزی بود که ما از حیثیت خود در کنار مرزها دفاع می‌کردیم و به عبارت بهتر، این دفاع به نوعی در وسط آن شهرها بود. حتی این دفاع در شهرهایی چون تهران و مشهد به چشم می‌خورد که دشمن در روز روشن و جلوی چشم همه مردم، انسان می‌کشند.

سردار قآنی افزود: دشمنان انقلاب اسلامی در حاشیه‌کشور، جنگ هشت ساله را به راه انداختند و ما در تمامی این سالها در حال نبرد و جنگ با دشمن بودیم؛ بعد از دوره دفاع مقدس هم فشارها هر روز افزایش پیدا کرد. اوج این فشارها هم در روز‌گاری است که شما در حال نظاره کردن آن هستید. اما با کمک خداوند این نظام آنقدر بالندگی داشته که هرروز یک قدم به سمت جلو برداشته است. یک روز از خودش دفاع می‌کرده اما امروز در حالی که از خودش مقتدرانه دفاع می‌کند راه دفاع از دیگران را هم موخته و هم کلاس درس برای دیگران می‌گذارد که چگونه شرافتمندانه از خودشان دفاع کنند.

سردار قآنی تصریح کرد: نظام اسلامی ایران روز به روز روبه جلو حرکت می‌کند و ما در این راه به پرچم داری رهبری و به نروائیت ولایت، سربازان این نظام هستیم و هر فردی در این میان هر سخنی که به میان آورد و گفت ما این تدبیر را کردیم و این تصمیم را ما گرفتیم؛ بلداند که بی‌خود می‌گویند این نروائیت ولایت و این تدبیر فرمانده بزرگ است که این نظام در میان این درگیری‌ها با صلابت، اقتدار و تدبیر حکیمانه رو به جلو حرکت می‌کند.

یک شهید، یک خاطره

نشانِ شهادت

مریم عرفانیان
بی‌تاب بودم و دل‌تنگ از شهادت پسرم غلام رضا. یک شب درحالی‌که کساکه پر از لباس در دست‌داشت به خوابم آمد.
گفتم: «پسرم! این لباس‌ها رو از کجا آوردی؟»
گفت: «از جبهه».
به طنابی که از این سووی حیاط تا آن سو بسته‌شده بود اشاره کردم و گفتم: «پس لباس‌ها‌ت رو بشورم و روی بند بندام.»
خندید و گفت: «نه مادرم.»

یک‌باره متوجه شدم جلوی پیراهنش خونی است! پرسیدم: «این خون چیه؟»
جواب داد: «نشان شهادتم هست، همه لباس‌هایم این نشان رو داره.»

براساس خاطره‌ای از شهید غلام رضا حسین‌زاده نهنگی
راوی: مادر شهید، کوکب رمضان زاده